# باب شصت و هفتم

در نهی از آزار و بار سنگين نهادن بر حيوان

در کتاب مستطاب اقدس ميفرمايند قوله تعالی:

"لا تحملوا علی الحيوان ما يعجز عن حمله انّا نهيناکم عن ذلک نهيا عظيما فی الکتاب. کونوا مظاهر العدل و الانصاف بين السّموات و الارضين." (بند۱۸۷)

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح مسيس الا کوپر ميفرمايند قوله العزيز:

"حيوان نظير انسان در نزد اهل حقيقت بسيار عزيز است لهذا انسان بايد بانسان و حيوان هر دو مهربان باشد و بقدر امکان در راحت و محافظت حيوان بکوشد."

و در لوح احبّای امريکا فرموده‌اند قوله العزيز:

"هو الابهی ای احبّای الهی اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و رحم و مروّت و مهربانی بهر نفسی است. پس بجان و دل بکوشيد تا بعالم انسانی من دون استثناء محبّت و مهربانی نمائيد مگر نفوسيکه غرض و مرضی دارند. با شخص ظالم و يا خائن و يا سارق نميشود مهربانی نمود زيرا مهربانی سبب طغيان او ميگردد نه انتباه او کاذب را آنچه ملاطفت نمائی بر دروغ بيفزايد گمان ميکند نميدانی و حال آنکه ميدانی ولی رأفت کبری مانع از اظهار است. باری احبّای الهی بايد نه تنها بانسان رأفت و رحمت داشته باشند بلکه بايد بجميع ذی روح نهايت مهربانی نمايند زيرا حيوان با انسان در احساسات جسمانی و روح حيوانی مشترک است ولی انسان ملتفت اين حقيقت نيست گمان مينمايد که احساس حصر در انسانست لهذا ظلم بحيوان ميکند امّا بحقيقت چه فرقی در ميان احساسات جسمانی است؟ احساس واحد است خواه اذيّت بانسان کنی و خواه اذيّت بحيوان ابدا فرقی ندارد بلکه اذيّت بحيوان ضررش بيشتر است زيرا انسان زبان دارد شکوه نمايد آه و ناله کند و اگر صدمه باو رسد بحکومت مراجعه کند حکومت دفع تعدّی کند. ولی حيوان بيچاره زبان بسته است نه شکوه نمايد و نه بشکايت بحکومت مقتدر است اگر هزار جفا از انسان به‌بيند نه لسانا مدافعه تواند و نه عدالة دادخواهی کند. پس بايد ملاحظه حيوان را بسيار داشت و بيشتر از انسان رحم نمود. اطفال را از صغر سنّ نوعی بايد تربيت نمائيد که بينهايت بحيوان رؤف و مهربان باشند. اگر حيوانی مريض است در علاج او کوشند، اگر گرسنه است اطعام نمايند، اگر تشنه است سيراب کنند، اگر خسته است در راحتش بکوشند. انسان اکثر گناهکارند و حيوان بيگناه البتّه بيگناهانرا مرحمت بيشتر بايد کرد مهربانی بيشتر بايد نمود مگر حيوانات موذيه رامثل گرگ خونخوار مثل مار گزنده و ساير حيوانات موذيه چه که رحم باينها ظلم بانسان و حيوانات ديگر است. مثلا اگر گرگی را رأفت و مهربانی نمائی اين ظلم بگوسفند است يک گله گوسفند را از ميان بردارد. کلب عقور را اگر فرصت دهی هزار حيوان و انسانرا سبب هلاکت شود. پس رأفت بحيوان درنّده ظلم بحيوان مظلومه است لهذا بايد چاره آنرا نمود. ولکن بحيوانات مبارکه بايد بينهايت مهربانی نمود هر چه بيشتر بهتر و اين رأفت و مهربانی از اساس ملکوت الهی است اين مسئله را بسيار منظور داريد و عليکم البهآء الابهی."

١٢

 تشرين ١٩٢٠ (مکاتيب سوّم صفحه ۲١١)